بدایات کلام و غایات ختام ذکر سلطان عما و ملیک بهاست جلّ عنایته و عظم احسانه و لا اله غیره و بعد عرض میشود که مثل جناب شما که از اوراق شجرهٴ الهیّه و از اثمار سدرهٴ کینونیّه ظاهر شدید و از کؤوس سنا مرزوق و از کأوب حمرا مشروب گشته‌اید چرا باید از سرائر امور الهیّه و ظواهر کلمات صمدانیّه محجوب گردید و از مقصود اصلی و مطلوب روحانی دور شوید همچه گمان نشود که غرضی در هویّت این کلمات مستور و خیالی در سرّ اشارات مکنون است قسم بخدائیکه این عبد را بر بساط حبّ جالس نمود و بر نمارق ودّ مستریح فرمود که آنچه ذکر شده از جواهر عنایت و سواذج مکرمتست منزّه از ملاحظهٴ غیریّت و مقدّس از مشاهدهٴ کیفیّت است انظر الی قرون الأولی و فکّر فیما نزّل اللّه فیها علی اهلها لم وقع الخلاف بینهم و بم اعرضوا عن وجهته و ابعدوا عن صراطه و افسدوا فی امره و اشرکوا مع سلطان وحدته و صاروا من الهالکین أ سمعت ان یمحو دین اللّه من قبل ان یثبت او ینسخ حکم اللّه من قبل ان یظهر قل ما لکم کیف لا تعرفون و لا تشعرون لا فوربّی ربّ السّموات و الأرض لن یقدر احد ان ینسخ حرفاً ممّا نزّل فی البیان من عند اللّه المهیمن القیّوم و کتب علی نفسه بأن یثبت کلّ ما حدّد فی الکتاب من عنده ولکنّ النّاس لا یعلمون و لا یفقهون ان یا حبیب انصف باللّه ثمّ اجعل محضرک بین یدیه هل کتبت البیان کما امرک اللّه محبوبک محبوب العارفین لا فوعمرک ما کتبته و ما اطعته فیما امرت من عنده و صرت من المتوقّفین بل اردت ان تبعد النّاس عن امره و نهیه و تکون من المبعدین أ رضیت بالّذی استهزء باللّه و اعرض عن حضرته و ابعد عن صراطه و اغفل عن ذکره و صار من المعرضین قل اما تستحی عن اللّه الّذی خلقک و ربّاک و جعلک ملکاً لتذکّر النّاس بأیّام اللّه و تکون من الذّاکرین و اتّبعت بما تهوی نفسک و تولّیت عن حکم اللّه ربّی و ربّک ربّ العالمین فاقرأ علیهم ما نزّل من قبل ان تکفرون انتم و من علی الأرض جمیعا انّ اللّه لغنیّ حمید فوربّ السّموات و الأرض لو اجتمع کلّ من فی السّموات علی الألوهیّة و کلّ من علی الأرض علی الرّبوبیّة لن یقدرنّ و لن یستطیعنّ ان ینزلنّ حرفاً ممّا نزّل اللّه فی الکتاب قل ما لکم کیف لا تتنبّهون و لا تعرفون فوالّذی نفسی بیده ما ارید فی تلک الکلمات الّا حبّی لنفسک و ودّی لجنابک والّا ما لی و شأنی بأن اتذکّر من کان هو خیر المذکورین ولکن لمّا شاهدت نسیانک عن عهدک لذا القیت علیک ما لا یلقیک احد من العالمین لتعرف حقّ اللّه فی تلک الأیّام و تدارک ما فاتک و تکون من المحسنین و الحمد للّه ربّ العالمین در هر حال این ایّام رضای ایشان محبوب است و کل در قبضهٴ قدرت اسیرند مفرّی برای نفسی نیست و امر اللّه را باین سهلی ندانید که هر کس هوسی در او اظهار نماید حال از اطراف چندین نفس همین ادّعا را نموده‌اند زود است که خواهید دید که شجرهٴ استقلال بسلطان جلال و ملیک جمال خود لم‌یزل و لایزال باقی خواهد بود و کلّ اینها فانی و مفقود بل معدوم کأن لم یکن شیئاً مذکورا هباء خواهند گردید اذا انّا للّه و انّا الیه راجعون

و اگر مصلحت بدانید از قول این عبد خدمت جناب میرزا تکبیر برسانید و بعد عرض کنید که آیا رایات اختلاف از کلّ جهات مرتفع نشده و فساد این اصحاب عالم را فاسد نه‌نموده همین بس نیست چگونه جمع اینها ممکنست اینست که در کلّ کتب و کلّ رسل مکتوب و مقرّرست لا تشرک بعبادة ربّک احداً مثل شما باید بجمیع مراتب ناظر باشید دیگر مختارید ما انا الّا ناصح امین و السّلام علی الموقنین

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۲، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر